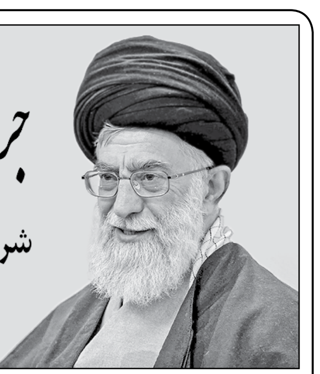

جرعه‌های معرفت

شرح حدیث معصومین(ع)
در کلام رهبر انقلاب

هشدار باش روزانه به انسان‌ها

فِی‌الکافی عَن‌الباقِر(علیه‌السلام) یُنادِی مُنادٍ فِی کُلِّ یَوم اِبنَ آدَم لِدْ لِلْموت [1]

[حضرت امام محمد باقر(ع) فرمودند: هر روز منادی‌ای ندا می‌دهد که ای فرزند آدم!] متولد شو برای مردن.

یک حقیقت آشکاری که اغلب عقول مردم و اذهان مردم از آن غافل است؛ [اینکه] هر ولادتی در نهایت برای فنا و نابودی است.

وَ اجمَع لِلفَناء؛ گرد بیاور و جمع کن، پول را، مال را، اشیاء را، کتاب را، وسایل مطلوب زندگی را از جهات مادی، عینی، قدرت و چه و چه، همه اینها را زحمت بکش جمع بیاور، لِلفَناء، برای اینکه از بین برود. همه‌اش از بین خواهد رفت.

هر آنچه که ما جمع می‌کنیم نابود خواهد شد. یک چند صباحی او مهمان ما است یا ما مهمان او هستیم، گاهی هم او هست ما می‌رویم، او هم خواهد رفت بعد از ما.

وَ ابنِ لِلخَراب ؛ بساز برای ویران شدن و خراب شدن.

این توجه دادن ما است به طبیعت این عالم، عالم فناء و عالم ماده، که همه چیز در این دنیا برای آمدن و رفتن است؛ هیچ چیزی بقاء ندارد. این را انسان توجه کند و درک کند. به یاد عاقبت کار در هنگام آغاز کار باشد. این عبرتی است برای ما. دلبستگی‌ها را کم می‌کند؛ هم دلبستگی به اشیاء را، به چیزهایی که متعلق به ما است و هم دلبستگی به نفس را.

---

[1] الشافی، ص ۸۷۶ [ینادی مناد کل یوم: ابن آدم؛ لد للموت، واجمع للفناء و ابن للخراب؛ فرزند آدم! به دنیاآور برای مردن، اندوخته کن برای از بین رفتن، بنا کن برای خراب شدن].

* شرح حدیث در ابتدای درس خارج ، ۹۴/۲/۶
* پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب

در محضر امام خمینی(ره)

اعتراض
به خرید پرتقال اضافی

روزی من در نوفل لوشاتو به علت ارزانی در حدود ۲ کیلو پرتقال خریدیم. فکر کردم که هوا خنک است و برای سه الی چهار روز پرتقال خواهیم داشت. امام با دیدن پرتقالها فرمودند: این همه پرتقال برای چیست؟ من هم برای اینکه کار خودم را توجیه کرده باشم، عرض کردم: پرتقال ارزان بود، برای چند روز خریدیم. ایشان فرمودند: شما مرتکب دو گناه شدید، یک گناه اینکه ما نیاز به این همه پرتقال نداشتیم و دیگر اینکه شاید امروز در نوفل لوشاتو کسانی باشند که تا به حال به علت گران بودن پرتقال، نتوانسته‌اند آن را تهیه کنند و شاید با ارزان شدن آن،می‌توانستندمقداری از آن را تهیه کنند، در حالی که این مقدار پرتقال را برای سه یا چهار روز، آن هم به جهت ارزان بودن آن خریده‌اید. ببرید مقداری از آن را پس بدهید. گفتم: پس دادن آنها ممکن نیست. ایشان فرمودند: باید راهی پیدا کرد. عرض کردم چه‌کار می‌توانیم بکنیم؟ ایشان فرمودند: پرتقالها را پوست بکنید و به افرادی بدهید که تا حالا پرتقال نخورده‌اند. شاید ازاین طریق خداوند از سرگناه شما بگذرد.

(به نقل از یکی از خواهران همراه امام در پاریس)، بیت المال درسیره ابرار، صص ۴۴ و ۴۵.

استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

خمس ودیعه حج

س: مبلغی که ودیعه‌گذار حج چند سال قبل گذاشته خمس دارد؟

ج: اصل سپرده اگر از درآمد کسب بوده و خمس آن داده نشده، خمس دارد اما سود حاصله اگر پیش از سال عزیمت به سفر حج قابل وصول نبوده، جزو درآمد سال وصول محسوب می‌شود که اگر در همان سال هزینه سفر حج شود. خمس ندارد.

ماجرای شیر و گوسفند «موسولینی» دیکتاتور ایتالیا

دیکتاتور معروف ایتالیا یک وقتی به یک کسی از دوستانش گفته بود که من ترجیح می‌دهم که یک‌سال شیر زندگی کنم، تا اینکه صد سال گوسفند زندگی کنم! یک‌سال شیر باشم، دیگران را بخورم، طعمه خود بکنم بهتر ازاین است که صد سال گوسفند باشم و آماده خورده شدن در کام یک شیر باشم. این را گفت و مرتب به دوستش یک پولی می‌داد و می‌گفت: خواهش می‌کنم این جمله را تا من زنده هستم در جایی نقل نکن، چرا؟ «موسولینی» می‌گفت: به جهت اینکه من با این شرط می‌توانم شیر باشم که مردم گوسفند باشند، اما اگر مردم این جمله من را بفهمند، آنها هم می‌خواهند مثل من شیر باشند، دیگر من نمی‌توانم شیر باشم و آنها باید گوسفند باشند که من شیر باشم. در این حرف بزرگی هست «اما بزرگواری نیست» [1]

---

[1] ۱- گفتارهای معنوی، شهید مرتضی مطهری (ره)، ص ۱۷۱

همسران؛ لباس یکدیگر
چرا و چگونه؟

■ **علی پوریا**

هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ

خداوند در قرآن زن و شوهر را به لباس نسبت به هم تشبیه کرده است. در مطلب حاضر نویسنده در تفسیر این مفهوم قرآنی به ویژگی‌های لباس اشاره و ارتباط آن را با عملکرد و رفتار همسران نسبت به هم تشریح کرده است.

***

تفاوت نکاح و زوجیت

از نظر قرآن، هر مخلوقی دارای زوج و جفتی است تا بدان کامل شود. خدا می‌فرماید: وَمِنْ کُلِّ شَیْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَیْنِ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُونَ؛ از هر چیزی زوج یعنی نر و ماده آفریدیم. امید که شما عبرت گیرید.(ذاریات، آیه ۴۹) البته این زوجیت در انسان در قالب نر و ماده است؛ چنانکه خدا در جایی دیگر می‌فرماید: وَمَا خَلَقَ الذَّکَرَ وَالأُنْثَی؛ و سوگند به آنکه نر و ماده را آفرید.(لیل، آیه۳) این بدان معناست که نفس انسانی با همه استقلالی که نسبت به نفس دیگر دارد، از یک نیازدایمی و فقر ذاتی رنج می‌برد و به هیچ وجه نمی‌تواند مستقل زندگی کند و به کمالات دست یابد؛ زیرا اقتضای زوجیت و جفت داشتن در ذات خلقت هر چیزی از جمله انسان، جز این نیست که بی‌زوج خویش به کمال نمی‌رسد. بنابراین، هر نفس انسانی با بده و بستان به جفت خویش است که به کمال دست می‌یابد. این زوجیت باید در قالب نر و ماده باشد؛ زیرا جنس مخالف است که فرصت کمال‌یابی را می‌دهد نه جنس موافق.

از این مطالب می‌توان این معنا را به دست آورد که زوجیت به معنای یافتن جنس مخالف مناسب، یک ضرورت در طبیعت و نهاد هر موجودی بویژه انسان است. از آنجا که انسان مانند جنیان از عقل و اراده برخوردار است، از این اختیار انتخاب سود می‌برد تا خود زوج خویش را انتخاب کند. این گونه است که نر و ماده انسانی با اختیار ارادی خویش زوج خویش را انتخاب کرده و در کنار وی زندگی می‌کنند.

البته برای اینکه زوجیت و جفت‌یابی مورد تشویق و تاکید قرار گیرد و گرایش ذاتی به یک گرایش انتخابی آزاد تبدیل شود، انگیزه‌های ظاهری و باطنی و ذاتی و عرضی برای آن قرار داده شده است. یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های زوجیت در انسان، انگیزه‌های جنسی و لذت جنسی است. از این رو زوجیت در انسان با نکاح در آمیخته است؛ زیرا نکاح در زبان عربی به معنای عمل جنسی است. از نظر قرآن، هدف از نکاح دستیابی به زوجیتی است که دو جنس مخالف نر و ماده در کنار هم به اهدافی دست می‌یابند که مهم‌ترین آن سکونت و آرامش است. خدا می‌فرماید: وَمِنْ آیَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْکُنُوا إِلَیْهَا وَجَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ؛ و از نشانه‌های او اینکه از نوع خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها سکون و آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری در این نعمت برای مردمی که می‌اندیشند، قطعا نشانه‌هایی است. (روم، آیه ۲۱)

در این آیه بیان شده که زوج باید از نوع انسان باشد، نه از انواع دیگر مانند سگ و گربه. دیگر آنکه هدف از ایجاد زوج برای انسان از جنس انسان آن است که انسان به سکونت و آرامش برسد. این بدان معنا خواهد بود که انسانی که جفت و زوجی ندارد، در تلاطم و اضطراب است و با زوج است که به سکون و آرامش می‌رسد و از خروش باز می‌ایستد. البته وقتی زوجیت ایجاد شود، در سایه آن و سکونتی که پیامد آن است، از سوی خداوند اموری به عنوان برآیند این زوجیت پدید می‌آید که همان مودت و رحمت است. مودت نوعی ارتباط عاطفی بروز و ظهور یافته در عمل و رفتار است که می‌تواند ولایت را تحقق بخشد؛ از این رو خدا درباره مزد رسالت پیامبر(ص) به مودت ذی‌القربی اشاره می‌کند(شوری، آیه ۲۳) که برآیند آن ولایت است. به این معنا که شخصی که مودت کسی را پذیرفته تحت ولایت و سرپرستی او قرار می‌گیرد که بر پایه محبت است. بر این اساس، نوعی ولایت و سرپرستی محبتی میان همسران ایجاد می‌شود که در جایی دیگر نمی‌توان آن را یافت؛ چنانکه رفتار میان همسران براساس عنصر رحمت کلی خواهد بود که مهربانی چیزی جز عفو و گذشت و عطوفت و رافت و احسان و مانند آنها نخواهد بود.

> **از نظر قرآن، زن و شوهری می‌توانند به اهداف کمالی و متعالی دست یابند که نسبت به یکدیگر لباس باشند.**

البته از نظر قرآن سکونت و آرامش را می‌توان در جاهایی دیگر و با اسباب دیگر فراهم آورد، مثلا شب یکی از اسباب سکونت است که بارها در قرآن آمده است: هُوَالَّذِی جَعَلَ لَکُمُ اللَّیْلَ لِتَسْکُنُوا فِیهِ؛ او خدایی است که برای شما شب را قرار داد تا در آن آرامش یابید. (یونس، آیه ۱۰؛ غافر، آیه ۶۱؛ قصص، آیه ۷۳) این از رحمت الهی است که اسباب سکونت را متفاوت و گوناگون قرارداده است؛ اما باید توجه داشت که جنس سکونتی که با شب و خواب آن به دست می‌آید با جنس سکونت و آرامشی که با همسر به دست می‌آید فرق دارد، هر چند در کلیت یکی است.

همچنین خدا در آیه ۱۸۹ سوره اعراف می‌فرماید: هوالذی خلقکم من نفس واحده و جعل منها زوجها لیسکن الیها؛ اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد.

به هر حال، میان نکاح و زوجیت فرق است و اهداف زوجیت بسیار متعالی و برتر از اهداف نکاح است که در آن پاسخ به یک نیاز طبیعی شهوانی به نام نیاز جنسی است. در حالی که با زوجیت اهدافی چون سکونت و مودت و رحمت فراهم می‌آید و انسان در شرایط سعادتی قرار می‌گیرد که از جایی دیگر تامین شدنی نیست. کسب این کمالات را نمی‌توان به تنهایی یا با جنس موافق به دست آورد، بلکه لازمه آن جنس مخالفی است که همدل و همراه در زندگی است.

همسران، لباس یکدیگر

از نظر قرآن، زوجیت یک اصل اساسی در تحقق اهداف متعالی و کمالی بشر است؛ اما این زوجیت باید در شکل و قالبی باشد که بتواند این اهداف را برآورده سازد. به سخن دیگر، زوجیت عنصر اولی و ابتدایی است که باید شرایط و امور دیگری فراهم آید تا آن فلسفه و اهداف کمالی و متعالی تحقق یابد.

از نظر قرآن، زن و شوهری می‌توانند به چنین اهداف کمالی و متعالی دست یابند که نسبت به یکدیگر لباس باشند. خدا می‌فرماید: أُحِلَّ لَکُمْ لَیْلَةَ الصِّیَامِ الرَّفَثُ إِلَی نِسَائِکُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَکُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ؛ در شب‌های روزه زناشویی با زنان‌تان بر شما حلال شده است. آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید.(بقره، آیه ۱۸۷)

باید توجه داشت که لباس دارای ویژگی‌هایی است که از جمله آنها می‌توان به این ویژگی‌ها و کارکردها اشاره کرد:

۱- زینت و آرایش: از مهم‌ترین کارکردهای لباس آن است که انسان بدان خود را زیبا می‌کند. از این رو لباس‌های متنوع و رنگارنگی می‌پوشد تا زیبا جلوه کند. خدا درباره این کارکرد لباس می‌فرماید: وهوالذی سَخّرالبحر لتأکلوا منه لحماً طریاً وتستخرجوا منه حلیةً تلبسونها؛ او خداوندی است که دریا را زیر سلطه شما قرارداد تا ازآن گوشت تازه بخورید و از آن زیورهایی مانند درّ ومرجان استخراج کنید که آن را به عنوان لباس و پوشش زیبا می‌پوشید.» (نحل، آیه ۱۴) اصولا انسان زیبایی را دوست می‌دارد و برای ایجاد و کسب آن تلاش می‌کند. از همین رو که خداوند فرمان می‌دهد در محافل و جوامع عمومی از زینت‌ها استفاده کنید و آن را به کار گیرید تا این گونه آراسته در مجالس و محافل حضور یابید: یابنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد؛ ای فرزندان آدم زینت‌های خود را در هر مسجدی به کار گیرید. (اعراف، آیه ۳۲) پس انسان در مساجد که برای عبادت است باید از زینت‌های ظاهری در کنار زینت باطنی یعنی تقوا سود برد و خود را بیاراید. اهل بهشت خود را به انواع زر و زیور و لباس‌ها می‌آرایند و این رویه بهشتی را باید اهل بهشت در دنیا نیز داشته باشند. (کهف، آیه ۳) این رویه اهل بهشت باید در میان همسران نیز نمود یابد. بر این اساس، همسران نسبت به یکدیگر باید به گونه‌ای عمل کنند که چون لباسی زیبا برازنده یکدیگر باشند و هر کسی به آنان می‌نگرند آنان را در کمال زیبایی و جمال بیابد. البته از آنجا که در فرهنگ قرآنی، زیبایی حقیقی همان زیبایی معنوی است، در حقیقت هر یک از همسران باید تلاش کند تا از نظر اخلاقی و معنوی دیگری به عنوان یک انسان کامل خودنمایی کند. امام صادق(ع) می‌فرماید: «إلبَس و تَجَمَّل فإنّ اللهَ جمیلٌ و یُحِبّ‌الجمال و لیکن مِن حلال؛ بپوشید و خود را بیارایید که خداوند زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد، اما این لباس و زینت باید از راه‌حلال باشد. (وسائل الشیعه ،ج۳ ،ص۳۴۰) امام علی (ع) در این باره می فرماید: «ان الله جمیل یحب الجمال و یحب ان یری اثر النعمه علی عبده؛ خدا زیبا است و زیبایی را دوست می‌دارد و دوست دارد که اثر نعمت در بنده‌اش نمایان شود.» (فروع کافی ج ۶ ص ۴۳۸) اینکه خدا می‌فرماید: وَأَمّا بِنِعْمَةِ رَبّکَ فَحَدّثْ؛ از نعمت پروردگارت سخن بگو.(ضحی، آیه ۱۱) این سخن گفتن با نمایش نعمت نیز می‌تواند معنا یابد. امام صادق(ع)می فرماید: «اذا انعم الله علی عبده بنعمه ، احب ان یری علیه لانه جمیل یحب الجمال؛ هنگامی که خدا بر بنده‌ای نعمتی داد دوست می‌دارد که آن را نشان دهد؛ زیرا خدا زیبا است و زیبایی را می‌پسندد.» (فروع کافی ج ۶ ص ۴۳۸ و وسایل الشیعه ج ۵ ص ۷)

۲- پوششی بر زشتی: از دیگر کارکردهای لباس آن است که زشتی‌ها را می‌پوشاند؛ زیرا در بدن انسان نقاط زشتی ممکن است باشد که ظهور آن موجب تنفر و اشمئزاز دیگران شود. عیب پوشی از خواص لباس است: (یا بنی آدم قد انزلنا علیکم لباساً یواری سوآتکم و ریشاً، اعراف ۲۶) «سؤآت» در آیه به معنای «هر آنچه ذکر و ظهورش در ملا عام برای دیگران مایه شرمساری است» و «ریشاً» به معنای «پر پرندگان است و چون پر برای پرندگان موجب زیبایی آنهاست، در این آیه «ریشاً» به طور عام به عنوان وسیله‌ای آرایش و یا هر آنچه که موجب آراستگی انسان شود به کار رفته است» [مفردات راغب اصفهانی و لسان العرب ابن منظوراندلسی- ذیل لغت سؤآت و ریش] نیازهای جنسی زن و مرد وقتی طغیان می‌کند، موجب رفتارهای زشت می‌شود و حتی به جنایت و قتل می‌انجامد که در گزارش‌های خبری بسیار شنیده و دیده شده است. همسران با برآورد کردن این نیازهای جنسی به گونه‌ای عمل می‌کنند تا این زشتی نیاز جنسی از میان برود و دیده نشود. در حقیقت ارضای همسران از نظر جنسی خود عامل اصلی پوشش این زشتی رفتاری است. خداوند از جمله کارکردهایی که برای لباس در آیه ۲۶ سوره اعراف بیان می‌کند پوشاندن زشتی‌های انسان و تزیین و زینت است. در آیه مورد بحث پوشاندن عورت و دیگر زشتی‌های تن آدمی به عنوان یکی از کارکردهای لباس بیان شده و در ادامه به نقش تزیینی لباس‌اشاره گردیده تا معلوم شود که همان گونه که لباس پوشش زشتی‌هاست، درعین حال با جلوه‌ها و آرایه‌هایش، آدمی را نیز زیبا می‌نمایاند. هر چند که نفس پوشاندن زشتی به طور طبیعی موجب می شود تا نقش زیبای انسانی جلوه کند ولی افزون بر این زیبایی که لباس برای آدمی موجب می شود، همچنین با تزیین و جلوه‌گری دیگری موجبات افزایش زیبایی آدمی را نیز فراهم می‌کند. بنابراین می توان گفت که زن و شوهر در قبال هم نقش پوشیدن عیوب و نواقص را ایفا می‌کنند و موجب می‌شوند تا زیباتر از هر زمانی جلوه کنند.

> **هدف از ایجاد زوج برای انسان از جنس انسان آن است که انسان به سکونت و آرامش برسد. این بدان معنا خواهد بود که انسانی که جفت و زوجی ندارد، در تلاطم و اضطراب است و با زوج است که به سکون و آرامش می‌رسد.**

۳- پوشش دفاعی: یکی از مهم‌ترین کارکردهای لباس، پوشش دفاعی از گرما و سرما و جنگ است. خداوند در آیه ۱۸ سوره نحل دو کارکرد دیگر برای لباس بیان می‌کند که عبارت از حفاظت از گرما و شمشیر و تیرهای دشمن است: والله جعل لکم مما خلق ظلالا و جعل لکم من الجبال اکنانا و جعل لکم سرابیل تقیکم الحر و سرابیل تقیکم باسکم کذلک یتم نعمته علیکم لعلکم تسلمون؛ و خدا از آنچه آفریده، به سود شما سایه‌هایی فراهم آورده و از کوه‌ها برای شما پناهگاه‌هایی قرار داده و برای شما تن‌پوش‌هایی مقرر کرده که شما را از گرما (و سرما) حفظ می‌کند، و تن‌پوش‌ها (زره‌ها)یی که شما را در جنگتان حمایت می نماید. اینگونه نعمتش را بر شما تمام می گرداند، امید که شما (به فرمانش) گردن نهید. پس ازمهم‌ترین کارکردهای همسران نسبت به یکدیگر آن است که اجازه ندهند تا عواملی موجب نفوذ و تاثیر منفی در فکر و رفتار آنان شود. در حقیقت به عنوان محافظ و پوشش دفاعی یکدیگر عمل می‌کنند و اجازه نمی‌دهند تا شیطان‌های جنی و انسی به محیط خانواده نفوذ کرده و عامل انحراف و سستی بنیاد خانواده شوند. همان طوری که لباس ظاهری، انسان را از گرما و سرما و جنگ حفظ می‌کند و حتی اجازه نمی‌دهد جنیان بتوانند تن انسان را ببینند؛ زیرا لباس از این قدرت برخوردار است که جنیان بدن انسان را نبینند با آنکه از در و دیوار عبور می‌کنند، همچنین همسران با برآورد نیازهای یکدیگر اجازه نمی‌دهند تا جنیان و انسان‌های شیطانی به محیط خانواده نفوذ و یا در روان همسران تصرف داشته باشند. همسران از عرض و مال و جان یکدیگر محافظت می‌کنند و اجازه تعرض به دیگران نمی‌دهند. این گونه است که در مسیر کمالی گام برمی‌دارند؛ زیرا فرصت بی‌بدیلی برای توبه و استغفار و کارهای خوب و نیک برای یکدیگر فراهم می‌آورند و هرگونه اتهام و تردید را از سر زندگی خویش دور می‌سازند.

> **ازمهم‌ترین کارکردهای همسران نسبت به یکدیگر آن است که اجازه ندهند تا عواملی موجب نفوذ و تاثیر منفی در فکر و رفتار آنان شود.**

۴- نهان سازی: ازدیگر کارکردهایی که قرآن برای لباس یاد می‌کند، اینکه همه چیز را از دیده مخفی می‌سازد چنانکه شب این گونه است (فرقان، آیه ۷۴) و همین پوشش مطلق است که آرامش و استراحت را برای آدمی فراهم می‌آورد و از تشویش و اضطراب حفظ می‌کند. زن و شوهر نیز باید اینگونه باشند و با پوشش کاملی که برای یکدیگر ایجاد می‌کنند و از دیده‌های دشمنان مخفی می سازند، آرامش و استراحت و امنیت را برای یکدیگر به ارمغان آورند. از نظر قرآن، همسران باید چنان امنیتی را ایجاد کنند که دیگران نتوانند همسرش را ببینند و به محیط خانواده نفوذ کنند. هر یک از همسران موظف هستند تا همچون پاره‌ای از شب عمل کنند و اجازه ندهند تا دیگران نسبت به مسایل خانواده آگاهی داشته باشند. بنابراین، اخبار یکدیگر را منتقل نکنند و مسائل میان خویش را به دیگران نگویند و روزنه‌ای برای دیگران به زندگی خویش باز نکنند. همسرانی که از روابط جنسی خویش اعم از اختلالی یا کمالی سخن می‌گویند، روزنه‌ای برای دیگران به خلوتگاه خویش باز می‌کنند. اصولا بیان اخبار میان همسری بیرون از دایره خانواده زشت است و باید از آن اجتناب کرد.

۵- پوشش تقوایی: هر چند که تقوا به معنای وقایه و نگه داشت است و به حوزه دفاعی ارتباط پیدا می‌کند، ولی برای تاکید بر ارزش تقوا جداگانه از این کارکرد لباس سخن به میان آورده می‌شود. از نظر قرآن، تقوا دارای سه‌گانه عام و خاص و اخص است که مراتب پایین تا عالی آن را شکل می‌دهد. تقوای اخص شامل انجام همه واجبات و مستحبات از یک سو و ترک همه محرمات و مکروهات و حتی شبهات و بلکه حتی برخی از مباحات از سوی دیگر است. این بدان معنا است که همسران اگر بخواهند لباس کاملی برای یکدیگر باشند باید این گونه عمل کنند و جنبه‌هایی را مورد توجه قرار دهند که لازم و ضروری همسری نیست، ولی به حکم احسان و بلکه اکرام عمل به آن را وظیفه خود می‌دانند. بر این اساس، زندگی خود را در چارچوب قوانین سفت و سخت حقوق همسری سامان نمی‌دهند و همواره حقوق خود و وظیفه دیگری را یادآور نمی‌شوند، بلکه کارهایی را که انجام می‌دهند در قالب عفو و گذشت و بلکه احسان و بلکه اکرام ایثاری است بی‌آنکه هیچ چشمداشتی داشته باشند؛ زیرا این همسران رضایت خدا را می‌جویند هر چند بر خود سختگیرند و از حقوق مسلم و قانونی خود چشم پوشند. از این روست که بر درشتی و رفتار بد همسر صبوری کرده و با حلم و عقلانیت عاطفی ، ایثار می‌کنند و از حقوق قانونی می‌گذرند تا محیط خانواده را سالم و آرام نگه دارند. بی‌گمان اینگونه تقوای الهی است که هدف از زندگی مشترک و زوجیت است. پس باید انسان خود را به لباس تقوایی بیاراید که همسران می‌توانند به عنوان زوجیت شرایط تحقق آن را به بهترین وجه فراهم آورند و بهشت و سعادت دنیا و آخرت را برای یکدیگر تامین و تضمین کنند. این گونه است که لباس زشتی فقدان آسایش و آرامش را از تن یکدیگر بیرون می‌آورند و همسرانی که این گونه عمل نکنند و در مسیر تقوای الهی گام برندارند، گرفتار فقدان آسایش و آرامش یعنی سعادت و خوشبختی خواهند شد؛ چنانکه خدا می‌فرماید: اذاقها الله لباس الجوع والخوف؛ خدا لباس و پوشش گرسنگی و ترس را بر آنان چشاند. (نحل، آیه ۱۱۲)

منابع حقوق در جامعه اسلامی

آنچه جامعه اسلامی را از جامعه غیر اسلامی جدا می‌کند منابع حقوقی آن است؛ زیرا مبانی حقوق در اسلام از منابع الهی که مبتنی بر عقل و نقل معتبر است گرفته می‌شود و بر اساس آن مواد حقوقی وضع و اجرا می‌شود؛ در حالی که در جامعه غیر اسلامی منابع حقوق، انسان است و مبانی بر اساس خواسته‌های انسانی خواهد بود و به طور طبیعی مواد قانونی از آن مبانی استخراج می‌شود.

ممکن است گفته شود که مواد قانونی در همه جوامع انسانی بر اساس مبنای اصلی عدالت است. از آنجا که عدالت نیز به معنای قرار دادن هر چیزی در جای حق و مناسب خودش است(شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۸۵)، به طور طبیعی، قوانین و مواد قانونی و حقوقی بر آن است تا هر چیزی را در جای حق و مناسب خودش قرار دهد؛ اما مشکل اینجاست که در جوامع غیر اسلامی اینجای حق و مناسب هر چیزی را خواسته‌های نفسانی جمعی یا فردی مشخص می‌کند و عدل هر چیزی آن چیزی است که انسانی به استبداد یا انسان‌هایی به اجماع، آن را حق و مناسب تشخیص می‌دهند. بی‌گمان از آنجا که انسان‌ها نسبت به حق و جای مناسب هر چیزی آگاهی و شناخت ندارند، نمی‌توانند موضع عدل و حق هر چیزی را مشخص کنند و این گونه است که مواد قانونی و حقوقی که می‌نویسند در بیشتر موارد ظالمانه است و چیزی را از جای حق خود بیرون می‌برد.

اما وقتی حق را خداوند می‌نویسد و از طریق عقل فطری یا نقل معتبر به دست می‌آید، دیگر بر اساس هوا و هوس‌های فردی و یا جمعی نخواهد بود. این تفاوتی است که میان جامعه قرآنی و جامعه جاهلی وجود دارد.

البته عقل فطری به عنوان حجت باطنی در کنار نقل و حجت ظاهری ، غیر از خواسته‌های نفسانی است که در جوامع جاهلی منبع قرار می‌گیرد؛ در حالی که جوامع جاهلی در اندیشه، ظن گرا و در انگیزه ،شهوت گرا هستند. خدا می‌فرماید: إِنْ یَتّبِعُونَ إِلاّ الظّنّ وَ ما تَهْوَی الأَنْفُسُ؛ جز از ظن پیروی نمی‌کنند و آنچه هواهای نفس می‌خواهد.(نجم، آیه ۲۳)

اما در جامعه قرآنی عقل و نقل با هم سازگاری دارد و وفق هم است؛ خداوند می‌فرماید: فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنِیفًا فِطْرَتَ اللهِ الّتِی فَطَرَ النّاسَ عَلَیْهَا لَا تَبْدِیلَ لِخَلْقِ اللهِ ذَلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ وَلَکِنّ أَکْثَرَ النّاسِ لَا یَعْلَمُونَ؛ پس روی خود را با گرایش تمام به حق به سوی این دین کن، با همان فطرتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای جایگزین‌پذیر نیست. این است همان دین پایدار ، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.(روم، آیه ۳۰)

پس عقل و نقل دو کاشف از حکم الله و شریعت اوست و هر دو به عنوان منبع شناختی در خدمت مردم است تا مردم ، حق هر چیزی را بدانند و هر چیزی را در جای خود قرار دهند.

چراغ راه

لزوم خوش‌رفتاری با خانواده و همسایگان و مردم

عن علی‌بن ابیطالب(ع): عن‌النبی(ص): انه قال: «یا علی: «احسن خلقک مع اهلک و جیرانک و من تعاشر و تصاحب من الناس، تکتب عندالله فی‌الدرجات العلی»

پیامبر گرامی اسلام(ص) ضمن وصایای خود به امام علی(ع) فرمود: یا علی! با اهل و عیال و خانواده خویش و با همسایه‌ها و با همه کسانی که با ایشان معاشرت و گفت‌وگو می‌کنی خوش‌اخلاق باش تا نامت در نزد خدا در بلندپایه‌ترین مراتب نوشته شده و به درجات عالی نائل شوی. [1]

---

[1] ۱- بحارالانوار، ج۷۴، ص ۶۷

حکایت خوبان

سخن‌چین، بدترین شخص روی زمین

شخصی سخن‌چین به حضور امام حسن (ع) رسید و عرض کرد: فلانی از شما بدگویی می‌کند. امام به جای تشویق، چهره درهم کشید و به او فرمود: تو مرا به زحمت انداختی. از اینکه غیبت یک مسلمان را شنیدم، باید درباره خود استغفار کنم، و از اینکه گفتی آن شخص با بدگویی از من، مرتکب گناه شده بایستی برای او نیز دعا کنم. [1]

امام صادق (ع) می‌فرماید: از بزرگ‌ترین جادو، سخن‌چینی است؛ زیرا با سخن‌چین، میان دوستان جدایی می‌افتد، دوستان یک‌دل با هم دشمن می‌شوند، به واسطه آن خون‌ها ریخته می‌شود، خانه‌ها ویران می‌گردد، و پرده‌ها دریده می‌شود. سخن‌چین، بدترین کسی است که روی زمین راه می‌رود. [2]

---

[1] ۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص۳۵۰
[2] ۲- همان، ج۶۳، ص۲۱

پرسش و پاسخ

حیات طیبه

پرسش:

حیات طیبه که یک زندگی مطلوب و ایده‌آل قرآنی است چگونه برای انسان حاصل می‌شود؟

پاسخ:

پاسخ به این سؤال را از دیدگاه دو اندیشمند والا مقام مرحوم علامه طباطبایی(ره) و شهید مرتضی مطهری مطرح می‌کنیم:

به طور کلی حیات طیبه یکی از کلیدی‌ترین و مرکزی‌ترین مفاهیم قرآنی است که زندگی را با کتاب الله و آموزه‌های وحیانی پیوند می‌زند. تدقیق و تعمق در این مفهوم اساسی می‌تواند از طریق مطالعه آراء مفسران قرآن و اندیشمندان دینی میسر گردد.

۱- شهید مطهری(ره)

استاد مطهری(ره) حیات طیبه را نوعی کمال زندگی موجود می‌داند، در حالی که علامه طباطبایی(ره) آن را اعطای حیاتی دیگر توصیف کرده است.

شهید مطهری نگاه تکامل‌گرایانه به زندگی انسان دارد، و زندگی و حیات انسان را در برگیرنده ظرفیتی برای خوب یا بد شدن می‌داند، و انسان واقعی را انسان با ایمان به خدا معرفی می‌کند. بنابراین انسان بدون پرورش دینی راه گمراهی را خواهد پیمود. شهید مطهری(ره) معتقد است که تحلیل‌های غیر مادی مختلف انسان را به امور مختلفی فرو کاسته و زمینه انواع مصیبت‌های بشری را فراهم کرده‌اند. وی معتقد است که تفکرات انسانی وی را از آرمانی که هر انسانی می‌تواند به آن دست یابد محروم ساخته‌اند. وی برای مثال به اندیشه‌های توماس هابز، زیگموند فروید، ویونگ و... اشاره می‌کند. به اعتقاد شهید مطهری(ره) از نگاه قرآن زندگی انسان باید تکامل یابد. تکامل زندگی انسان در نهایت به حیات طیبه می‌انجامد «من عمل صالحاً من ذکر اوانثی و هومومن، فلنحیینه حیاة طیبه ولنجزینهم اجرهم باحسن ما کانوا یعملون» هرکس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعا او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات (حقیقی) بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد.(نحل- ۹۷)

از این رو حیات طیبه انسانی را نوعی حیات جدید مبتنی بر سیر تکاملی انسان می‌داند. و در این رابطه طبیعی است که حیات طیبه از سوی خدای متعال به انسان اعطا می‌شود.

در واقع حیات طیبه اکتسابی است و غایت اصلی انسان بوده و او را از حیوانات و نباتات مجزا می‌کند، به بیان دیگر می‌توان رد پای علت غایی را در این فراز از اندیشه استاد مطهری دید. از نگاه ایشان انسان پس از تکامل به حیات طیبه می‌رسد. در یک نگاه کلی‌تر وی معتقد است نه تنها انسان بلکه همه جهان به سوی یک هدف غایی معین روان است. شهید مطهری معتقد است که لزوم رسیدن به آن مقصد، چنین شکلی را برای عالم و انسان اقتضا می‌کند، (نظام احسن). در واقع عبور درست از معبر و داشتن نقشه راه، ما را به انسان کامل بودن و زندگی عادلانه و آسوده داشتن در مدینه فاضله می‌رساند.

بدین ترتیب انسان آن‌چیزی نیست که آفریده شده است، بلکه آن چیزی است که خودش بخواهد باشد. ماهیت انسان توسط خود وی ایجاد می‌شود از این رو کل زندگی انسان حاصل انتخاب‌هایی است که انجام داده است.

از این رو انسان غایتی دارد، اما این غایت نیازمند نقشه و راهنماست. از سوی دیگر تربیت دینی که همانا طی راه حیات طیبه است، در سن هفت تا سی سالگی بهتر رخ می‌دهد. انسان با ایمان می‌تواند، به حیات طیبه یا انسان کامل دست یابد. طرح عرفانی و دینی در حیات طیبه به هم می‌آمیزند. شهید مطهری معتقد است که انسان کامل یعنی انسان نمونه، انسان اعلی است، و آرمان‌شهر یعنی شهری که تجلی خداست و شناخت انسان کامل و مدینه فاضله از دیدگاه اسلام، از آن نظر برای ما مسلمانان واجب است که حکم مدل و الگو و سرمشق را دارد، بینش انسانی جهانی به نوعی لازمه باور به جامع‌الاضداد بودن است، و وحدت وجودی است و در تمام ادیان به نوعی وجود دارد. انسان با ایمان است که به کمال خود می‌رسد. کمالی که حیات طیبه نام دارد.

توضیح اینکه قسمت دوم این بحث در تاریخ ۹۶/۹/۱۰ به چاپ رسیده است و قسمت اول به علت حذف صفحه به تاخیر افتاد.

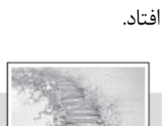

سلوک عارفانه

آثار صبر در سلوک عارفانه

(بدان ای سالک راه خدا!) صبر کلید ابواب سعادات و سرمنشأ نجات از مهالک است. بلکه صبر بلیات را بر انسان آسان می‌کند و مشکلات را سهل می‌نماید، و عزم و اراده را قوت می‌دهد و مملکت روح را مستقل می‌نماید، و جزع و بی‌تابی علاوه بر عاری که خود دارد، و کاشف از ضعف نفس است، انسان را بی‌ثبات و اراده را ضعیف و عقل را سست می‌کند. [1]

---

[1] ۱- شرح چهل حدیث امام خمینی(ره)، ۲۶۲

صفحه معارف روزهای: شنبه ، یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود

تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱

Maaref@kayhan.ir